

روز چهل و سوم: چهارشنبه هفته هفتم

آنگاه یکی از آن دوازده که به یهودای اسخریوطی مسمی بود، نزد رؤسای کهنه رفته، گفت: «مرا چند خواهید داد تا او را به شما تسلیم کنم؟» ایشان سی پاره نقره با وی قرار دادند و از آن وقت در صدد فرصت شد تا او را بدیشان تسلیم کند. متی ۲۶: ۱۴-۱۶

چهارشنبه هفته مقدس روزی است که یهودا تصمیم گرفت عیسی را به کاهن اعظم بفروشد. در اناجیل گزارش فروخته شدن عیسی توسط یهودا را پس از تدهین شدنش نگاشته‌اند ولی محققین بر این باورند که تدهین عیسی یک هفته قبل از ورود مظفرانه عیسی به اورشلیم به انجام رسیده است. انجیل نویسان از قرار دادن تدهین عیسی در آنجا هدف خاصی را دنبال می‌کردند. آنان می‌خواستند خوانندگان اناجیل متوجه شوند که یهودا شخصی پول پرست بوده است. یوحنا حتی در انجیل خود نگاشته است که فقرا برای یهودا هیچ اهمیتی نداشتند و او به دلیل دزد بودنش و اینکه پول گروه در اختیارش بود و از آن برای خود برمی‌داشت گفت که عطر ریخته شده بر عیسی باید فروخته می‌شد (یوحنا ۱۲: ۶). پول دوستی خطری جدی برای همه‌ی افرادی است که عیسی را پیروی می‌کنند. ما باید دائماً قلبمان را بررسی کنیم و مراقب باشیم که به بی‌راهه نرود.

پول دوستی تمام چیزی نیست که این متن به ما درس می‌دهد بلکه به ما می‌آموزد که باید مراقب افکارمان باشیم. سی پاره‌ی نقره تقریباً یک چهارم و یا حتی کمتر از مبلغ آن عطر بود. همچنین مبلغی که برای تسلیم عیسی پرداخت کردند توهین آمیز بود چراکه بر اساس قانون آن زمان، این کمترین مبلغی بود که در ازای کشته شدن تصادفی یک غلام توسط حیوان شخصی دیگر پرداخت می‌شد. پس اگر او سود زیادی عایدش نمی‌شود باید موضوع عمیق‌تری در این قسمت در حال رخ دادن باشد. شاید آنقدر مسیح را کوچک می‌شمرد که فکر می‌کرد از او برتر است. او به گروهی از شاگردان پیوسته بود و فکر می‌کرد عیسی می‌خواهد وضعیت اسرائیل را طریق پیروزی نظامی تغییر دهد. یا شاید فکر می‌کرد اگر عیسی را تسلیم کند، خشم او بر علیه ساختار مذهبی و سیاسی برافروخته شده و قدرت خارق‌العاده خود را برای برپایی پادشاهی خداوند در مقابل دشمنانش به کار خواهد گرفت. ما اطلاعات زیادی در دست نداریم مگر چیزهایی که متی می‌خواسته ما متوجه شویم.

سی پاره نقره در جای دیگری از کتاب مقدس نیز به چشم می‌خورد. خدا به زکریای نبی گفت که رفته و شبان گله‌ای شود که قرار است سلاخی شود. این نبوت ساده‌ای نیست که به راحتی بتوان آن را فهمید ولی ایده‌ی اصلی در آن این است که شبانان خداوند که کاهنین و مشایخ هستند، قوم خداوند را آنطور که باید شبانی نمی‌کردند و به همین دلیل گوسفندان گمراه شده و به دام مرگ می‌روند. نبی ما برای انجام این کار سی پاره نقره دریافت می‌کند. در نهایت خداوند شبان دیگری را بر می‌افرازد که در کنار خدا ایستاده، قضاوت خداوند را در دست داشته و مردم نیز به قوم خداوند بدل خواهند گردید (زکریا فصول ۱۱-۱۳). متی طوری عمل یهودا را می‌نگارد که گویی می‌خواهد مخاطبانش نبوت زکریا را به یاد بیاورند. یهودا سی پاره نقره را در معبد می‌اندازد و کاهنین با استفاده از آن پول، زمین کوزه‌گر را خریداری می‌کنند (متی ۱۷: ۶-۷). زکریا نیز نقره‌ها را در معبد و نزد کوزه‌گر می‌اندازد (زکریا ۱۱: ۱۳). نبوت زکریا در فصل ۱۲ اینطور ادامه می‌یابد که مردم به شخصی که بدنش با نیزه سوراخ شده است نگریسته و نوحه‌گری خواهند نمود تا زمانیکه در فصل ۱۳ به عنوان قوم خداوند احیا شوند. این نبوت در مرگ و قیام عیسی مسیح به تحقق پیوست. عیسی همان شبان نیکویی است که جانش را برای گوسفندانش فدا می‌کند (یوحنا ۱۰: ۱۱).

متن‌های پیشنهادی برای مطالعه:

متی ۲۶: ۱-۱۶

پرسشها برای اندیشیدن:

آیا در زندگی خود سعی داریم خداوند را مجبور به کاری کنیم که تصور می‌کنم بهتر است؟

رابطه‌ی من با پول چگونه است؟

دعا:

ای خداوندم عیسی! ممنونم که تو آن شبان نیکو هستی که جانم را برای گوسفندانم می‌دهی. متشکریم که تبدیل به قربانی برای کفاره‌ی گناهانمان گشتی. سپاسگزاریم که در مقابل خیانت ما انسانها و شرمساری صلیب ایستادگی کردی. ممنونیم که دوباره قیام کردی تا ارثیه‌ی ابدی را به ما عطا کنی. آمین!